

فقه، نظام و نظام سازی

علی اکبر رشاد*

اشاره

سخنرانی آیت الله علی اکبر رشاد (مؤسس و رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی) در ویژه برنامه فرهنگی «دارالعلم»، مجله تلویزیونی علوم اسلامی، از تولیدات مرکز ارتباطات و رسانه آستان قدس رضوی، چهارشنبه ۲۷ فروردین ماه ۱۴۰۴. آیت الله رشاد در این برنامه تلویزیونی که ساعت ۲۱ هر شب، با اجرای محمدجواد استادی، به روی آنتن شبکه چهار سیما می رود، در پاسخ به پرسش های کارشناس مجری، توضیحاتی را درباره اصول و مؤلفه های فقه نظام ساز و تفاوت آن با دیگر انواع فقه، ارائه کرد:

مسائل پیرامونی

۱. ضرورت فقه نظام ساز

فقه نظام ساز، ضرورت انکارناپذیر جامعه اسلامی.

۲. شاخصه های فقه نظام ساز

نظام در دانش های مختلف تعاریف گوناگون دارد و عبارت از مجموعه مؤلفه های

* استاد خارج فقه و اصول و استاد تمام پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (مؤسس و رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی).

منسجم اما مختلف و گوناگون است که با روش مشخص برای تأمین غایات معینی صورت می‌گیرد، گفت: هر نظام دارای اجزاء یکسانی نیست و متنوع است و درعین حال در کنار برخورداری از تنوع منسجم هستند و در مجموع با روش‌ها و شیوه‌های مختلف و مشخصی برای دستیابی به هدف مشخص این نظام پدید آمده که مرزی با دیگر نظام‌های هم‌عرض دارد.

مقصود از فقه نظام‌ساز این است که تولیدکننده نظام است؛ یعنی فقهی که الزامات حیات بشری را در عرصه‌های مختلف تولید کند نظام‌ساز است. وقتی نظام‌ساز است باید دارای نظام باشد از این‌رو می‌تواند همان نظام را اداره کند.

پس ما از فقه نظام‌ساز آن فقهی را اراده می‌کنیم که دارای سه مؤلفه باشد؛ از جمله اینکه خود دارای نظام باشد، تولیدکننده نظام باشد و بتواند نظاماتی را اداره کند.

۳. تفاوت فقه سیاسی، اجتماعی و تمدنی با فقه نظام‌ساز

فقه اجتماعی یا سیاسی، به لحاظ موضوعی اخص هستند؛ یعنی فقه نظام‌ساز فقط فقه سیاست یا فقه اجتماعی نیست، بلکه فقه همه ساحات و عرصه‌های حیات را دربرمی‌گیرد. از نظر موضوع و بستر، فقه نظام‌ساز گسترده‌تر و وسیع‌تر از فقه سیاسی و فقه اجتماعی است. از سوی دیگر از فقه اجتماعی و فقه سیاسی لزوماً بر نمی‌آید که دارای نظام باشند. می‌تواند فقهی با رویکرد سیاسی و اجتماعی باشد که فاقد نظام است. فقه نظام‌ساز باید مشتمل بر آن بخشی باشد که احکام سیاسی را مشخص می‌کند؛ یعنی اگر فقهی نظام‌ساز است باید به اجتماع پردازد و با جامعه و مسائل آن به نحو نظام‌مند مواجه شود.

فقه سیاست به احکام سیاست مربوط می‌شود و فقه سیاسی فقهی با رویکرد سیاسی است و در نتیجه بین فقه سیاست و فقه سیاسی از لحاظ گسترده‌بودن نیز تفاوتی وجود دارد. فقه سیاست به لحاظ قلمرو گسترده‌تر از فقه سیاسی است.

فقه تمدنی نیز احکام مربوط به هزاره و تمدن را بیان می‌کند و رویکردی تمدنی دارد که می‌خواهد عناصری که فقه عمل می‌کند و ملتزم به شریعت هستند را به تمدن برساند.

۴. تاریخچه فقه نظام‌ساز در سنت اسلامی

در ارتکاز ذهنی، سلف صالح دین اصولاً نظام‌مند است، ارکان و اضلاع معرفتی دین دارای نظام است و بر اساس الگوی سامان‌دهی فقه که محقق حلی در شرایط ارائه و کل فقه را به چهار بخش تقسیم کرده، چنین برمی‌آید که در مجموع فقه دارای نظامی است و اینکه مجموعه مسائل همگون و هم‌سنخ را کنار هم قراردادن، به‌مثابه یک باب و چندین باب را در یک بخش از فقه گنجانندن، می‌تواند حاکی از آن باشد که در ارتکاز ذهن بزرگواران، این فقه دارای نظام است و فقه همان شریعت است که با روش اجتهادی استنباط شده است. از آیات قرآن نیز این امر حاصل می‌شود که کل دین دارای نظام است و اگر ناحیه غیرخدا می‌بود، باید در آن اختلاف وجود داشته باشد.

اگر نحوه نظام‌مندی آموزه‌ها و دستورهای دینی را ارائه نکنیم کارآمد نخواهد بود. فقه عهده دار تولید سبک زندگی مؤمنانه است و وقتی بناست به زندگی سبک بدهیم، باید به اقتصاد، سیاست، حقوق و همه شئون و ساحاتی که زندگی را می‌سازد توجه کنیم.

اگر به‌نحو پراکنده و پریشان با آن مواجه شویم سبکی تولید نمی‌شود. پیدایش سبک و فرهنگ زیستی در گرو آن است که آن چیزی که فرهنگ را می‌سازد خود دارای انسجام و نظام باشد. آیت‌الله رشاد افزود: بزرگان دینی ما معتقد بودند دین نظام دارد و شریعت به‌عنوان بخشی از دین نیز دارای نظام و خرده نظام است، ولی کاربرد لفظ فقه نظام‌ساز، تعبیری جدید است که قدما از آن استفاده نمی‌کردند. نظام‌سازی و ادبیات نظام‌سازی در دانش مدیریت و دانش‌های مرتبط با نظام‌پردازی و... ادبیات جدیدی است که مربوط به دوره مدرن می‌شود و قدما و دیگر مکاتب هم اگر باور به نظام معارف و مکاتب و تعالیم

داشتند به نحو ارتكازی به آن توجه داشته و ما در آثار متأخر و علوم انسانی مدرن این اصلاحات را مشاهده می‌کنیم. دوره جدید حیات بشر موجب شده این مباحث برجسته‌تر و پرداختن به این مباحث خود آگاهانه‌تر شود.

۵. مطرح شدن فقه نظام‌ساز پس از پیروزی انقلاب اسلامی

نظام‌سازی در فقه مسئله جدیدی است که در کشور ما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مطرح شده است. در کشور ما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، حکومت تام و مبتنی بر اسلام و شریعت به وجود آمده و اینکه ما در عمل احساس نیاز کردیم که با برخی آموزه‌ها و دستورهای اقتصادی نمی‌توان اقتصاد کشور را اداره کرد، باید مؤلفه‌ها را منسجم کرد، به‌طور جامع به آن نگرست و هدف‌دار حرکت کرد.

باید منظومه‌ای از نظام‌ها را به اجرا گذاشت که همه ابعاد و اضلاع اقتصاد و معیشت مردم را دربرگیرد. در نتیجه برای ایرانی‌ها در در دوره اخیر و برای بشریت در دوره مدرن و برای مسلمانان در امتداد دوره مدرنیته، مسئله فقه نظام‌ساز مطرح شده است.

۶. عملکرد فقه نظام‌ساز

در پاسخ به این پرسش که آیا فقه می‌تواند نظام را ایجاد کند یا خیر؟ می‌توان گفت به باور ما دین خوشه و منظومه‌ای از نظامات است که خود یک ابر نظام و دارای خرده نظام‌هایی است. این ابر نظام، مشتمل بر ۵ کلان نظام محتوایی از جمله عقاید، دانش، معنویت، اخلاق و شریعت و ۴ کلان نظام ارتباطی است که در حدیثی از حضرت صادق علیه السلام به چهار قسم رابطه انسان با خدا، رابطه انسان با خود، رابطه انسان با خلق و منابع حیاتی دنیوی بیان شده است.

وقتی از نظام اسلامی سخن می‌گوییم نباید از فقه توقع داشته باشیم که همه ابعاد نظام را در اقتصاد تولید کند یا ابعاد نظام را در اخلاق، عقاید و معنویت تولید کند، بلکه نظامی

اسلامی است که تمام ۵ کلان نظام محتوایی حسب مورد، ناظر بر چهار کلان نظام ارتباطی در موضوع اقتصاد را درهم آمیخته و تبدیل به یک دستگاه کرده است که اگر هر یک از اینها از جمله عقاید، شریعت، اخلاق، دانش و معنویت حذف شود، اقتصاد اسلامی محقق نمی شود.

۲۵۷

ما توقع نداریم نظام اقتصاد اسلامی فقط احکام فقهی یا اخلاقی داشته باشد. تولید نظامات با درآمیختن پنج کلان نظام محتوایی و چهار کلان نظام ارتباطی با هم، محقق می شود.

